

انکار هویت زنان و نادیده گرفته شدن شان در اجتماع، ریشه در فرهنگ کهن مردم افغانستان داشته که سایه نامبارک آن را تا امروز نیز بر نام و نشان زنان کشور به خوبی می توان مشاهده نمود. برای تفهیم و اثبات درستی این موضوع که از مرحله ادعا گذشته و وارد وادی حقیقت گردیده، کافی است تا نیم نگاه به آداب و رسوم رایج در جامعه بیندازیم، جامعه ای که در آن درج نام زنان در کارت عروسی شان، ننگ و آبروریزی بزرگ برای خانواده قلمداد شده و مایه خجالت و سرافکنندگی قوم و محسوب می شود، نمونه ای رایج شده، یکی از هزاران موارد موجود در جامعه ماست که درک آن برای اکثریت خوانندگان مان ملموس و مشهود است.

آنچه طرفداران «سنت انکار زنان» در پاسخ به پرسش «نامم کجاست؟» ارائه می کنند این است که آنها درج نام زنان و مسایل مربوط به این قضایا را فاقد هرگونه اهمیت دانسته و منتقدان را به توجه جدی در خصوص مساله صلح و سایر موضوعات مهم سیاسی کشور دعوت می کنند، چنین افرادی که عمدتاً در رأس تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی کشور نیز قرار دارند، با انکار زنان و سهل انگاری درباره بانوان کشور، چطور می توانند برای رسیدن به رفاه اجتماعی که در آن تمام شهروندان بایستی در نظر گرفته شوند، برنامه جامع و موثری را تدوین نمایند؟ در جامعه ای که درج نام و هویت واقعی زنان، خدشه بر آبروی نظام خانواده وارد می کند و سبب شرمساری اجتماع می گردد، رسیدن به صلح دوامدار هیچ گاه به طور کامل تحقق نخواهد یافت چرا که آنچه باعث تضاد فکری و گسترش حس خصمانه نسبت به یکدیگر گردیده، انکار هویت و نادیده گرفتن ماهیت حقوقی گروه هاست.

با گسترش رسانه های اجتماعی و رشد نسبی علم و دانش، سطح آگاهی جامعه زنان نیز تا حد قابل ملاحظه ای که توان برافراشتن بیرق اعتراض علیه سیاست های انکارگرانه ای مردان را پیدا نمایند، افزایش یافته است. راه اندازی کمپین «نامم کجاست؟» در سال ۲۰۱۷م، نمونه شایسته ای از تلاش مسالمت آمیز زنان در راستای به چالش کشاندن سنت های رایج و کهن بود که سرانجام، کمیته قوانین کابینه کشور را پس از سه سال پیکار وادار به تأیید قانون درج نام مادران در تذکره های الکترونیکی نمود. موفقیت این جریان فکری مهم، درونمای خوشایندتری از آینده زنان افغانستان را ترسیم می نماید. با تأیید درج نام زنان در شناسنامه ها، زمان آن فرارسیده است تا خطاب به افرادی که معتقدند تأیید این قانون، دردی را دوا نمی کند باید گفت که این اقدام و اقداماتی نظیر آن که منجر به احیای هویت و جایگاه حقیقی زنان در جامعه می شود، همواره مهم بوده و گسترش چنین اقداماتی در نهایت به آبادانی کشور نیز دامن خواهد زد.

مشارکت زنان در روند مصالحه ملی، اصلاحات اجتماعی، تقویت نظام آموزش و پرورش و سایر حوزه های سیاسی و اجتماعی، در سالیان اخیر نتایج تأثیرگذاری را در جامعه ای بر جا نهاده که در آن از درج نام شان روی کارت عروسی، سنگ قبر، شناسنامه ها و... امتناع می ورزند، دست آوردهای سالیان اخیر زنان در فضایی سرشار از محدودیت های فکری و فرهنگی تا اکنون چنین اثرات شگرفی از خویش برجای نهاده، حال اگر به بانوان افغانستان مانند بانوان سایر نظام های دموکراتیک مجال خودنمایش و نمایش توانمندی های شان داده شود، قطعاً سرزمین پنج هزارساله افغانستان، مکان بهتری برای زندگی و تجربه رفاه و آسایش حقیقی خواهد بود.



خانواده های مسلمان در بحبوحه ی سنت و تجدد؛ نقش ها و مسؤولیتها

بخش سوم و پایانی

زوج فاقد این دو وسیله باشد، طلاق به اشارات معموله که صراحتن معنای طلاق را افاده نماید، صورت گرفته می تواند.» به این معنا که شوهر بدون هرگونه ممانعت و قید و شرطی می تواند از حق طلاق به هرگونه که بخواهد استفاده نماید. شوهر می تواند به شکل تحریری فقط با...

ماده قانون یک مرد بی شعور و بی عقل و کم هوش، می تواند صرفن با جاری ساختن کلمه «طلاق» آنهم به هردلیلی، عقد ازدواج را منحل سازد. برعلاوه، ماده ۱۳۵ این قانون، شرایط و حالات وقوع طلاق را این گونه در نظر گرفته است: «زوج می تواند به صورت شفاهی و یا تحریری زوجه اش را طلاق نماید. هرگاه

طلاق عبارت از انحلال رابطه زوجیت صحیح در حال و آینده بین زوج و زوجه می باشد.» ماده ۱۳۷ این قانون حق طلاق را حق منحصر به فرد و یکجانبه و بدون قید و شرط شوهر دانسته، چنین بیان می دارد: «طلاق هر زوج عاقل و بالغ واقع می گردد، گرچه زوج سفیه یا مریض غیر مختل العقل باشد. به اساس این

برعلاوه، قانون مدنی افغانستان با اقتباس از نظریات فقهی کلاسیک در ماده ۱۳۱، موجبات انحلال عقد ازدواج را بیان می نماید که در بسیار حالات حقوق و امتیازات خاصی برای مردان در مقایسه با زنان در نظر گرفته است. طلاق یکی از آن موارد می باشد. ماده ۱۳۵ این قانون در مورد طلاق چنین صراحت دارد:

پژوهش

کهریچه ایثار



نقش و تاثیر گذاری زنان در ارتش ملی

دست آوردهایی که داریم نتیجه قربانی دو صد هزار سرباز نیروهای امنیتی کشور است. به زنانی که عضو نیروهای امنیتی کشور هستند نیز باید گفت که شما یک جنس تأثیر پذیر نه، بلکه شخصیت های تأثیر گذاری هستید که برای تمامیت ارضی کشور، حفاظت از مردم و برابری در جامعه مبارزه می کنید.

صفحه ۲



برگرفته ای اساسی ترین موادی است که مشارکت سیاسی و اجتماعی زن را در جامعه تسجیل کرده است. بر اساس ماده ۲۲ قانون اساسی هر نوع تبعیض و امتیاز بین شهروندان افغانستان ممنوع می باشد. ماده های ۴۳، ۴۴، ۵۳ و ۵۴ قانون اساسی افغانستان دسترسی زنان به خدمات بهداشتی، رفاه، و شغل را بیان نموده است. این ماده ها دسترسی زنان به آموزش، خدمات بهداشتی و اشتغال را منحیث پیش شرط های مشارکت سیاسی زنان و عنصر مهم برای آسایش و بهبود وضعیت زنان در افغانستان ضمانت کرده است.

در این مرحله ی حساس و سرنوشت ساز در گفت و گو های صلح برای تحقق مشارکت اجتماعی زنان، باید حق آموزش و حق کار برای زنان ارج گذاشته شود. هدف این دختران و زنان از راه اندازی این کارزار توجه به مصونیت حق آموزش و تحصیل و حق کار دختران و زنان است که بعد از تفاهم برای صلح، برای دختران اجازه ی رفتن به مکتب و دانشگاه داده شود، به دلیل اینکه حق آموزش و پرورش در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر برای هر فرد به رسمیت شناخته شده و توسط میثاق بین الملل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأمین شده است؛ همچنان این حق مطابق مواد ۴۳، ۴۴، ۴۵ و ۴۶ قانون اساسی جدید افغانستان، برای هر یک از شهروندان کشور ما تضمین شده است. همچنان تأکید در مورد حق کار، به دلیل اینکه اساس و مبنای تمام حقوق و آزادی های اساسی فرد را ...

صفحه ۳

حمایت از کارزار زنانه

برای حق آموزش و حق کار زنان



پیشرفت جامعه مؤثر واقع شوند. خوش بختانه ارزش های اسلامی، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان حق آموزش و حق کار را برای زنان به رسمیت شناخته و مشارکت زنان را در جامعه ارزش مند دانسته است. فصل دوم قانون اساسی در مورد حقوق اساسی و وجایب شهروندان که از ماده ۲۲ الی ۵۹ را احتوا می کند در

تحلیل

کهریچه رامزی



در آستانه ای گفت و گو های صلح، گروهی از دختران و زنان با ابراز نگرانی از وضعیت زنان در مرحله ای پس از تحقق صلح و تفاهم با گروه های مخالف حکومت، کارزار حمایت از حق آموزش و حق کار برای زنان راه انداخته اند که این عمل کرد آنها در خور ستایش است. این نوع دادخواهی ها می تواند دولت مردان و دولت زنان را متوجه خطرهای احتمالی آینده ای زنان بسازد تا برنامه ریزی های پیش گیرانه ای را برای مصونیت حقوق زنان روی دست داشته باشند و در میز مذاکره دست آوردهای نرزه ساله ای زنان به عنوان خط قرمز باقی بماند.

با توجه به نقش زنان در مدیریت خانواده، زنان می توانند در سیاست و اجتماع درخشش خوب داشته باشند، مگر برای آنها باید فرصت ها و زمینه های آموزشی و کاری فراهم گردد تا چالش هارا کنار بگذارند و حضور معنادار را ایفا نمایند. مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در افغانستان به سبب حاشیه بودن زنان از تعلیم و کار با فراز و فرودهایی آمیخته با زجر و فشار، یأس و ناامیدی، استبداد، افراط و تفریط به همرا بوده است.

اما زنان افغانستان در راستای مشارکت در اجتماع در نرزه سال اخیر نقش معنادار ایفا نمودند، آنها توانستند در بخش های مختلف نقش داشته باشند و برای رشد و



گفتگو

حسین احمدی

نقش و تاثیر گذاري زنان در ارتش ملي



در اردوی ملی افغانستان ۲۴۰۰ زن حضور دارند. شاید به لحاظ کمیت درصدی کمی از اردوی ملی کشور را تشکیل دهند؛ اما از نگاه کیفیت حضور مؤثر دارند. امروز زنان به عنوان خلبان قوای هوایی، سرباز کماندو، سارنوال نظامی، مسؤول تحقیقات جنایی، استاد تعلیمات نظامی و در بخش های لوژستیک حضور دارند. حضور زنان در بخش های مختلف نشان دهنده بالندگی، رشد فکری و اعتماد جامعه به زنان است.

♦ روند رسیدگی به خانواده های شهیدان، زنان و کودکان سربازان ارتش ملی چگونه است؟

در یک سال گذشته نهایت تلاش ما این بود که تمامی اسناد خانواده شهیدان، معلولان و اسیران اردوی ملی ثبت یک سیستم شود. اسناد کاغذی و ثبت قلمی مشکلات داشت و روند رسیدگی به آن زمانبر است. ما فعلاً یک فهرست و سیستم مشخصی از شهیدان، معلولان و اسیران اردوی ملی تهیه کرده ایم. اما وزارت دفاع ملی مسؤلیت پرداخت اکرامیه، ارسال زخمیان به شفاخانه های داخلی و خارجی و پرداخت شش ماهه معاش آنان را به عهده دارد. متباقی معاش ماهوار آن ها از سوی وزارت دولت در امور شهدا و معلولین پرداخت می شود. در سال گذشته ۳۵۰ فرزند شهیدان اردوی ملی را شامل بورس های آموزشی ساختیم. برای ۱۲ هزار خانواده شهید کمک های نقدی و مواد غذایی توزیع کردیم. امسال ریاست شهدا و معلولین در ساختار وزارت دفاع ملی نیز ایجاد شده است تا برای رسیدگی بیشتر هماهنگی های لازم را انجام دهد.

♦ آیا وزارت دفاع ملی برنامه ای مشخصی جهت افزایش حضور زنان در ارتش ملی و تشویق خانواده ها جهت موافقت با پیوستن بانوان در قوای مسلح کشور دارد؟

وزارت دفاع ملی یک برنامه کارآموزی را آغاز کرده است. بین شش ماه تا یک سال برای زنانی که در رشته های مختلف مثل کمپیوتر ساینس، حقوق، مدیریت و... تحصیل کرده اند، جذب می شوند و در بخش های ملکی این وزارت استخدام می شوند. در دانشگاه نظامی اردوی ملی «دانشگاه نظامی مارشال فهیم» نیز سهم مشخصی برای زنان در نظر گرفته شده است تا بانوان جوان از طریق امتحان رقابتی کاندیدوار شده منحیث افسران مسلکی فارغ و جذب اردوی ملی شوند.

♦ آیا نسبت به سال های گذشته، میزان تمایل زنان به جلب و جذب در ارتش ملی افزایش یافته یا کاهش؟ جنجال ها و پیچیدگی های اوضاع سیاسی جنگ و صلح بر این موضوع چه تأثیری گذاشته است؟

گزارش اخیر «سیگار» نشان داد که جلب و جذب زنان در سکتور امنیتی افغانستان افزایش یافته است. این یک خبر خوش است که بگویم میزان تمایل بانوان تحصیل یافته برای حضور در اردوی ملی بسیار بالا رفته است؛ به ویژه در قطعه خاص کماندو و قوای هوایی کشور. وزارت دفاع ملی در بخش های اداری نیز به خانم ها توجه بیشتری دارد. در مجموع می توانم بگویم بررسی ها نشان می دهد که میزان توجه و تمایل زنان و خانواده ها در مورد کار کردن بانوان در ساختار اردوی ملی روز به روز افزایش می یابد.

♦ و در آخر اگر حرف و پیامی دارید، بفرمایید.

پیام من به همه هموطنان عزیز این است که اگر زنی از اعضای خانواده شان در بخش های امنیتی ایفای وظیفه می کند، به او افتخار کنید و قهرمان محل زندگی شان بشمارند. چون زنان برای پیوستن در بخش های نظامی با چالش های بیشتری مواجه هستند. زنان نظامی در چندین جبهه مبارزه می کنند. از متقاعد کردن خانواده ها تا برخورد نامناسب در محل زندگی شان و تلاش برای داشتن یک شخصیت برجسته و مسلکی در محل کار و در آخر هم ماموریت اصلی شان که مبارزه با تروریستان و طالبان است. یک خواهش هم از خانواده ها دارم که جوانان شان را اعم از دختر و پسر برای پیوستن به بخش های امنیتی تشویق کنند. دست آوردهایی که داریم نتیجه قربانی دو صد هزار سرباز نیروهای امنیتی کشور است. به زنانی که عضو نیروهای امنیتی کشور هستند نیز باید گفت که شما یک جنس تأثیرپذیر نه، بلکه شخصیت های تأثیرگذاری هستید که برای تمامیت ارضی کشور، حفاظت از مردم و برابری در جامعه مبارزه می کنید.

بانوان رفته اند، شرایط ویژه برای شان فراهم شده است.

♦ حضور زنان در بخش های فرماندهی و مدیریت های عملیاتی ارتش ملی و قول اردوها چگونه است؟ چون اخیراً بانوان در قطعه مرگ نیز راه یافته اند.

بله؛ بانوان در همه بخش های اردوی ملی حضور دارند. اما کندک هایی که ویژه خانم ها است فرمانده شان نیز زن است.

♦ وضعیت حقوق بشری زنان در ارتش ملی چگونه است؟ چون سال گذشته اتهامات و گزارش هایی مبنی بر عدم مصونیت بانوان در صفوف قوای مسلح کشور به نشر رسیده بود.

ما نهایت تلاش خود را می کنیم تا فضای مصون برای زنان نظامی فراهم بسازیم. یکی از شرایطی که باعث افزایش جلب و جذب بانوان در اردوی ملی می شود، مصونیت روانی و فیزیکی آنان و دور بودن از فضای آلوده به تبعیض جنسیتی است. ما به بانوان آموزش می دهیم که در مقابل آزار و اذیت سکوت نکنند، بلکه اعتراض و شکایت رسمی درج کنند. در وزارت دفاع ملی کمیسیون ویژه ای برای رسیدگی به شکایت های زنان وجود دارد. شماره تماس ۱۹۶ مشخص برای ثبت شکایت های این بانوان فعال شده است. سماع و ثبت شکایت های بانوان در اردوی ملی توسط خود زنان صورت می گیرد تا رسیدگی شود. ما نمی توانیم ادعا کنیم که صد درصد پلان هایی که برای زنان در نظر گرفته بودیم موفق شده ایم و یا فضا را کاملن مصون ساختیم. مشکلات و چالش ها وجود دارد، اما این مشکلات به همکاری رهبری اداره و منسوبین حل می شود. خواست ما از خانم های عضو اردوی ملی این است که در برابر آزار و اذیت و تبعیض جنسیتی سکوت نکنند؛ مراجع رسمی و انگیزه ای برای رسیدگی به شکایت های شان وجود دارد.

در مورد وضعیت حقوق بشری زنان در اردوی ملی باید بگویم که ما یک ریاست انسجام و جند داریم که نه تنها کارش رسیدگی به مشکلات زنان نظامی است، بلکه در بخش های حمایت از کودکان و مشکلات حقوق بشری همه منسوبین اردوی ملی کار می کند.

♦ روند تعلیمات بانوان در ارتش ملی افغانستان چگونه است؟

تعلیمات زنان در اردوی ملی به گونه ای است که بیشتر شخصیت نظامی فرد مورد بحث است نه جنسیتش. تعلیمات تیوری و فیزیکی به صورت مشترک برگزار می شود، اما امکانات خاص برای زنان جداگانه، سرویس بهداشتی جداگانه و امکانات خاصی برای نظامیانی که مادر هستند ویا متأهل هستند.

♦ روند تعلیمات بانوان در خارج از کشور چطور؟

کشورهای زیادی در روند تعلیمات نظامی با اردوی ملی افغانستان همکاری هستند. شمار زیادی از بانوان در برنامه های تعلیمات کوتاه مدت و طولانی مدت فرستاده می شوند. در روند اعزام بانوان برای آموزش تعلیمات نظامی در خارج از کشور بعضی از مسایلی است که به لحاظ فرهنگ اجتماعی در نظر می گیریم. چون کشور ما اسلامی است، ما کوشش می کنیم بانوان را برای تعلیمات نظامی به کشورهای اعزام کنیم که مثلن خوابگاه جداگانه ای برای زنان تدارک ببینند. کشورهای مثل امارات متحده عربی، هندوستان و ترکیه از جمله کشورهای است که این موارد را در نظر می گیرند.

♦ گذاشتن چنین شرایطی بر کیفیت تعلیمات بانوان نظامی تأثیر نمی گذارد؟

ما این شرایط را به خاطر اعتمادسازی در نظر می گیریم. چون جامعه ما سنتی است و به یک سری ارزش هایی پایبندند که دوست دارند زنان نظامی عضو این جامعه نیز در نظر داشته باشند. از همین رو ما کوشش می کنیم این مسایل را در نظر داشته باشیم که بانوان افغانستان در کشورهای دیگر برای شان خوابگاه و سرویس های بهداشتی جداگانه ای مهیا شود تا مصون باشند. بعضی از سفارتخانه های خارجی در افغانستان زمانی که اعلام آمادگی می کنند تا گروهی از بانوان نظامی را برای دوره های تعلیمی به کشورهای شان بفرستند، در صورتی که فراهم سازی شرایط خاص را برای بانوان تعهد نمی کردند ما منصرف می شدیم. تا اکنون به کشورهای امریکا، هند، ایتالیا و روسیه در دوره های مختلف تعلیماتی که

روزمه متمرکز شدند. تعلیم و تربیه که از زیربنای پیشرفت و توسعه یک کشور است در افغانستان در حق مردان دانسته شد و اولویت آموزش حق مردان دانسته شد و زنان از آموزش باز ماندند.

موضوع دیگری که در بحث حضور زنان است؛ اینکه ما در یک و نیم دهه ی نخست بر کمیت حضور زنان متمرکز بودیم، اما طی پنج سال اخیر بر مؤثریت و کیفیت حضور شان بیشتر توجه شده است. بسنده کردن حضور زنان به آمار و ارقام در اداره های دولتی ممکن است به آنان را به مثابه ی گلدان تزئین یک اداره قرار دهد. یعنی حضور سمبولیک. مثلن در یک ساختار اداری به عنوان رعایت ترکیب جندر دو خانم را میان یک گروه بیست نفری قرار می دادند، در حالی که فرصت ابراز نظری داده نمی شد و یا به خاطر تحمل ستم و سرکوب تاریخی این بانوان نمی توانستند خواست و نظر شان را بر هجده مرد عضو گروه بقبولانند. این وضعیت در سال های گذشته بود. اما نسل جدید زنان افغانستان به ویژه در ساختار نیروهای امنیتی نسل متفاوت است. اولویت های نسل امروز تغییر کرده است. مثلن من سال هاست که در اداره های مختلف با زنان سرورکار داشتم، اما در سال های اخیر متوجه می شوم که اولویت های زنان خیلی متفاوت از دیروز است. امروز بانوان بر آموزش زبان و ماستری و کار کردن در مدار عالی و با صلاحیت ارجحیت می دهند.

در وزارت دفاع ما در یک سال گذشته شورای ملی زنان نظامی را ایجاد کردیم و برای ایجاد شورای جهانی زنان نظامی اقدام کردیم. این درخواست ما از سوی حامیان نظامی ما به ویژه ماموریت حمایت قاطع در افغانستان مورد استقبال قرار گرفت. خواست ما این بود که زنان افغانستان چون قربانیان اصلی پدیده تروریسم و افراطیت هستند به حیث الگوهای این شورا مسؤلیت رهبری شورا را به عهده داشته باشند. متأسفانه به دلیل شیوع ویروس کرونا در جهان، روند پیگیری این موضوع به تأخیر افتاد. همچنان قرار است ما پیوند خواهرخواندگی افغانستان با کشورهای که وزیر دفاع شان زن هستند را امضا کنیم.

♦ گفتگو ی هفته نامه نیم رخ با خانم منیره یوسفزاده، معاون وزارت دفاع ملی در امور تعلیمات و پرسونل

♦ تشکر بابت فرصتی که برای گفتگو با نیم رخ گذاشتید. خانم یوسفزاده؛ ابتدا در مورد حضور بانوان در ارتش ملی افغانستان بگویید؟

تشکر از تیم نیم رخ که با پایداری برای زنان افغانستان کار می کنید. یک جامعه زمانی به تعالی دست می یابد که زن و مرد برای پیشرفت جامعه کار کنند. در امور افغانستان نیز همین مقوله است؛ زن و مرد در تمام امور مملکت باید باهم کار کنند. متأسفانه چهل سال جنگ آسیب های فراوانی به جامعه وارد کرده و همه بخش های زندگی ما را از آموزش تا اقتصاد و زیربنا، آسیب زده است. بخش زیادی از این بار جنگ را زنان به دوش می کشند. پیش از این قربانی جنگ؛ حالا در سنگر جنگ نیز حضور دارند. با آنکه جامعه ما سنتی است، اما حضور زنان در سکتور امنیتی چشم گیر است. اگر مقایسه کنیم؛ مثلن: من در سال ۲۰۱۲ زمانی که به آذربایجان رفتم هیچ زنی در اردوی ملی شان حضور نداشت؛ با آنکه نسبت به افغانستان یک کشور توسعه یافته است. اما همان موقع در پولیس، اردو و امنیت ملی افغانستان هزاران زن حضور داشتند.

در اردوی ملی افغانستان ۲۴۰۰ زن حضور دارند. شاید به لحاظ کمیت درصدی کمی از اردوی ملی کشور را تشکیل دهند؛ اما از نگاه کیفیت حضور مؤثر دارند. امروز زنان به عنوان خلبان قوای هوایی، سرباز کماندو، سارنوال نظامی، مسؤول تحقیقات جنایی، استاد تعلیمات نظامی و در بخش های لوژستیک حضور دارند. حضور زنان در بخش های مختلف نشان دهنده بالندگی، رشد فکری و اعتماد جامعه به زنان است.

ارچند که زنان در همه بخش های نظامی کشور حضور دارند، اما من به عنوان زنی که در سطح رهبری یک اداره مهم نظامی عضویت دارم، این حضور را بسنده نمی دانم. من از یک زاویه ای دیگری به حضور زنان در سکتور امنیتی نگاه می کنم. من امیدوی روزی را دارم که زنان نه به خاطر جنسیت شان بلکه به خاطر مؤثریت شان در ساختارهای نظامی حضور یابند و در حفظ تمامیت ارضی کشور سهم بگیرند.

♦ زنان در بسیاری از بخش ها در افغانستان با موانع و چالش هایی مواجه هستند، در ارتش ملی هم زنان با چالش های مواجه هستند؛ اگر هستند کدام هاست؟

وقتی از چالش ها فراروی حضور زنان در اردوی ملی صحبت می کنیم، خوب است که مسؤلیت دولت و ملت را مشخص کنیم. ما از دوره ی سیاه طالبان گذشتیم، وارد یک مرحله ای شدیم که حضور زنان در سطوح مختلف اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و اداری حتا در منطقه چشم گیر بود. دولت برای حضور زنان در بخش های امنیتی زمینه سازی کرد، اما ملت هم مسؤلیت دارد تا از حضور زنان در بخش های نظامی حمایت کند. چند درصد از خانواده ها اجازه می دهند که دختران شان لباس نظامی بپوشند؟ این پرسش اساسی را باید ملت افغانستان پاسخ دهند؛ همه ی ما امنیت می خواهیم، آیا همه ی ما دوست داریم که خواهر، دختر، همسر ویا مادر مان لباس نظامی بپوشند و این فضای امن را فراهم کنند؟

بحث دوم بحث فرهنگی است. دوره ی سیاه امارت اسلامی طالبان و پیش از آن جنگ های داخلی سبب شد که زنان افغانستان از حق آموزش محروم شوند. در زمان جنگ، اولویت جامعه تغییر کرد. خانواده ها از بحث توسعه و پیشرفت باز ماندند و به تأمین خوراک و پوشاک

خانواده‌های مسلمان در بحبوحه‌ی سنت و تجدد...!



فرستادن پیام تلفونی، یا ارسال یک ایمیل و یا هم به شکل شفاهی، با یک اشاره و یا تماس تلفونی، در هر زمان و مکانی و به هر دلیلی زن خود را طلاق دهد. طلاق در تمامی این حالات صحیح پنداشته شده، موقوف به حکم محکمه نمی‌باشد و بدون در نظرداشت رضایت زن و ضرورت رایحه دلایل اثباتیه مبنی بر طلاق زن، واقع می‌گردد.

در حالی که مطابق این قانون، زن فقط با موجودیت یک سلسله شرایط و با مداخله محکمه قادر به انحلال ازدواج می‌باشد. به طور مثال خلع، صرفن در بدل پرداخت مال از جانب زن برای شوهرمی‌تواند واقع شود (ماده ۱۵۶) و تفریق با موجودیت یک سلسله شرایط و حکم محکمه جنبه عملی پیدا می‌کند. زن با وقوع حالات زیر می‌تواند مطالبه تفریق نماید: شوهر مبتلا به مرضی باشد که اعاده صحت وی ناممکن باشد، ضرری از جانب شوهر عاید حال زن شده باشد و زن قادر به اثبات آن باشد و امکان اصلاح بین زوجین نباشد. در صورت غیابت شوهر آن هم به مدت سه سال یا زیاده از آن و عدم انفاق زن. در تمامی این حالات، و برعکس حق یک جانبه که به شوهر داده شده، درخواست زن مبنی بر انحلال ازدواج موقوف به حکم محکمه و مشروط به موجودیت یک سلسله شرایط بوده، برعلاوه، زن باید دلایل و شهود مبنی بر اثبات ادعای خویش به محکمه رایحه نماید، در غیر آن صورت تلاش زن مبنی بر انحلال عقد ازدواج بی‌نتیجه باقی خواهد ماند. یگانه هدف از بیان این موضوع، نمایاندن تبعیضات جنسیتی است که در قوانین به شکل گسترده‌ای آن موجود بوده و موجبات تبعیض و تقویت نظام پدرسالاری و تقسیمات قدرت به گونه‌ای نابرابر را در خانواده فراهم می‌سازد.

بر اساس آن چه که تا حال گفته شد، می‌بینیم که نظریه‌ی «قیمومیت» و «ولایت» با دید برتری مرد بر زن که توسط فقه‌های کلاسیک ساخته شد، چگونه توانست با تعیین حقوق و وجایب نابرابر و نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی برای زن و شوهر در ساختار خانواده، نقش فرودست برای زن قابل شده و موقوف آن را به حد «بزه‌بودگی» تقلیل دهد و در مقابل برای مرد نقش فرادست با حقوق و امتیازات بیشتر، مناسبات و روابط نابرابر و غیر عادلانه را در خانواده‌ها شکل دهد. نظریاتی که حتا قانون‌ها و پالیسی‌ها را در کشورهای اسلامی تحت تأثیر خود قرار داده در تدوین قوانین پر از تبعیضات جنسیتی، نقش بارزی را بازی می‌نمایند. در حالی که به باور فمینیست‌های اسلامی، نظریه‌ی «قیمومیت» با دید برتری مرد بر زن، در قرآن و سنت وجود نداشته، بلکه ساخته و پرداخته مفسران و فقه‌سنتی می‌باشد که در طی قرون متمادی شکل گرفته و هنوز هم با همان قوت در جوامع اسلامی پذیرفته شده و باقی‌ست. فمینیست‌های اسلامی

ادامه تحلیل

حمایت از کارزار زنان برای حق آموزش و حق کار زنان

تشکیل داده، نسبت به همه حقوق فرد پس از حق آموزش از اهمیت درجه اول برخوردار است؛ زیرا به برکت کار، تولید نعمت‌های مادی و معنوی میسر شده. نه تنها سطح زندگی و معیشت فرد به‌طور قناعت‌بخش تأمین می‌شود؛ بلکه رشد و ترقی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی یک کشور طور کامل وابسته به درجه‌ی سازماندهی و چگونگی کار شهروندان آن (زنان و مردان) است. بنابراین؛ کار نه تنها حق مرد است، بلکه حق هر فرد (زن و مرد) می‌باشد؛ زنان در نتیجه‌ی کار متمرکز و شرافتمندانه، نه تنها نیازمندی مادی شان را مرفوع کرده، بلکه جایگاه معنوی شان را به دست آورده و سهم خود را در ارتقای سطح زندگی، توسعه‌ی اجتماعی و رفح نیازمندی‌های جامعه نیز ادا می‌کنند.

هر زن حق دارد که بنا بر میل و انتخاب خود به هر نوع کسب و پیشه (طوری که به حقوق دیگران آسیب نرساند) بپردازد. از این طریق هم مهارت، استعداد و شخصیت خود را تکامل بخشیده، از عواید حاصله‌ی آن احتیاج‌های زندگی خود و فامیلش را رفع سازد. این حق از طریق اشتغال به حرفه و پیشه‌های آزاد مثل: تجارت، خیاطی، معماری، نجاری، آهنگری، قالین‌بافی و غیره تأمین و ضمن آن بخش مهمی از ضرورت‌های جامعه نیز مرفوع می‌شود.

قابل یادآوری است که در گفت‌وگو‌های صلح، به حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حق آموزش و حق کار زنان توجه جدی شود.

در اخیر پیشنهاد می‌کنم برای دختران و زنان شجاع که دست به این کارزار با ارزش زده‌اند، برای فراگیری و تداوم این کارزار از گروه‌های مورد هدف ارزیابی داشته باشند تا این کارزار مؤثرتر گردد و با پلان و استراتژی؛ بتوانند از طریق حمایت ملی و بین‌المللی منابع مشخصی را برای تحقق فراگیرتر این کارزار زنانه به دست آورند. به امید موفقیت زنان و دختران بلند همت ما!

به این باورند که بنیان خانواده در اسلام بر اساس اصل عدالت و احترام متقابل بین زن و شوهر با اصول اخلاقی پذیرفته شده‌ی اسلام (عدل و انصاف) نهاده شده و هیچ فردی از فرد دیگری برتری ندارد.

الگوی برابری‌گرایانه‌ی که فمینیست‌های اسلامی پیش‌کش می‌نمایند، در آن زن و مرد در یک اجتماع دائمی، توسط کمک و باهمی و احترام متقابل؛ با مشارکت برابر هم‌دیگر در رابطه به تمامی موضوعات خانواده با مشوره و اعتماد دوجانبه بار مشترک حیات را متحمل شده و با تصمیم‌گیری مشترک، سرنوشت مشترک را تعقیب می‌نمایند تا سرپرستی و ریاست یک فرد در خانواده. حمایت مالی و محافظت از اعضای خانواده و کودکان، بر اساس مهارت، تجربه، شایستگی، علاقه، وقت و منابعی قابل دسترس که بتواند هم‌ای اعضای خانواده در آن سهم بگیرد، صورت می‌گیرد، برعکس تقسیمات کارجنسیتی کلیشه‌ای و سلسله مراتبی غیر قابل تغییر که بر فرادستی یکی و فرودستی دیگری در نظام خانواده می‌انجامد.

این در حالی است که در سایر جوامع حتی در بعضی از کشورهای اسلامی چون ترکیه، مصر و مراکو و تونس و غیره، الگوهای سنتی توزیع قدرت در خانواده و نقش‌های جنسیتی سنتی که در آن مرد؛ فرادست، نان‌آور و صاحب خانه حکم ریبس خانواده را دارا بوده و زن؛ فرودست، بچه‌دار، شوهردار، با تغییر در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی پس از انقلاب صنعتی به چالش کشیده شده، سبب به‌وجود آمدن تغییرات بنیادین در ساختار نظام پدرسالاری در خانواده‌ها گردید.

پانوشت:

۱. «فمینیسم» به جنبش‌های زنان در اواخر قرن ۱۹ تا اکنون باز می‌گردد که به هدف رسیدن به برابری حقوق زنان به راه انداخته می‌شود. موج اول فمینیسم مربوط به سال‌های ۱۸۴۸ تا ۱۹۲۰ و هم‌زمان با انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه که نتیجه‌ی آن کسب حق رأی است

و موج دوم مربوط به دهه‌ی ۱۹۶۰-۱۹۷۰ که با تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیوند خورده و نتیجه‌ی آن ظهور جریان‌های مختلف لیبرالی، مارکسیستی، سوسیالیستی و رادیکال در میان فمینیست‌ها است و در نهایت موج سوم که نیمه‌ی دوم ۱۹۷۰ و تحولات دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد را در بر می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: مقاله مکمل در مورد فمینیسم، موج سوم فمینیسم دست‌آوردهای فمینیسم برای خانواده چه بوده؟

۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: فمینیسم و نوع نگاه به خانواده، فمینیسم خانواده‌گرا، رویکردهای خانواده از منظر فمینیسم و اسلام، پیامدهای فمینیسم بر خانواده‌های غربی، بررسی مقایسه‌های تاریخی جایگاه «خانواده» در فکر فمینیستی و دیدگاه اسلام. ۳. در مورد تعریف و ماهیت «فمینیسم اسلامی»، مجادلات فراوانی وجود دارد. یک ایده این است که اساساً «فمینیسم اسلامی نداریم»، زیرا فمینیسم و اسلام قابل جمع با یکدیگر نیستند. به‌علاوه گفته می‌شود که فمینیسم اسلامی، جنبشی است که فعالان و متخصصان فمینیستی را در بر می‌گیرد که خود را در چارچوب پارادایم اسلامی قرار داده و حقوق زنان را بر اساس متون دینی و سنت اسلامی بنیان نهاده‌اند. این ایده نیز وجود دارد که فمینیسم اسلامی به مثابه راه‌کاری برای رهایی «زن» از نابرابری و بی‌عدالتی‌هایی که خوانش مردانه‌ی اسلام از متن مقدس (قرآن) (به او تحمیل کرده است. ظهور فمینیسم اسلامی به پیدایی صاحب‌نظران مصری نظیر قاسم امین یا محمد عبده در سوان مواجهه‌ی اسلام و تجدد نسبت داده می‌شود و گاهی حاصل موج سوم فمینیسم معرفی می‌شود.

۴. فقه (استنباط حکم از شریعت توسط فقه‌ها و راهی برای درک بهتر شریعت)، شریعت (به معنای عام آن احکام و دستورات الهی وحی شده) و قوانین (اسناد تقنینی نافذ براساس احکام فقهی) ازهم متفاوت‌اند.

شریعت؛ الهی و ابدی است در حالیکه فقه و قوانین اسلامی به شمول قوانین خانواده؛ ساخته دست انسان بوده و قابل تغییرمی‌باشد. همان قدرکه برداشت‌های متفاوت توسط فقه‌ها از شریعت وجود دارد، به همان اندازه امروز قوانین خانواده‌ی مختلف، خواه به شکل مدون یا غیرمدون در کانتکست کشورهای اسلامی تدوین گردیده، نافذ می‌باشد.

۵. حرکت جهانی برای تأمین برابری و عدالت در خانواده‌های مسلمان.

<https://www.musawah.org/resources/musawah-framework-for-action>

منابع:

۱. «ازدواج و آثار حقوقی آن در قانون مدنی افغانستان»، رعنا سعید؛
۲. «تقابل فمینیسم و کارکردهای خانواده»، سرکار خانم عظیمی؛
۳. «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، حسین بستام، ۱۳۸۲؛
۴. «فمینیسم و نوع نگاه به خانواده»، اسماعیل چراغی، ۱۳۸۶؛
۵. «پیامدهای فمینیسم در خانواده غربی»، اسلام تایمز؛
۶. «فمینیسم چیست؟»، ترجمه‌ی سایت زنان ایران بخشی از موضوعات فمینیسم از دایرةالمعارف فلسفی دانشگاه استنفورد در ایالات متحده آمریکا؛
۷. «مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر»، سیدمحمد موسوی مقدم، مریم خادمی طاهره سادات نعیمی، ۱۳۹۳؛
۸. «قانون مدنی افغانستان»، جلد اول، ۱۳۰۷؛
۹. «حقوق خانواده»، عبدالقادر عدالت‌خوا؛
۱۰. «بررسی مقایسه‌ای-تاریخی جایگاه خانواده در فکر فمینیستی و دیدگاه اسلام با تأکید بر مسأله‌ی قواع»، قاسم زابری، ۱۳۹۱؛
۱۱. «Who Changing Dynmics in Muslim Families Provides? Who Cares?»، Musawah، ۲۰۰۱.

زنان در مسیر تاریخ

ادامه از صفحه ۴

گردن او بست. و خورش و نانیکه ساخته بود بدست پسر خود یعقوب سپرد. پس نزد پدر خود آمده گفت... من نخست زاده تو عیسو هستم... اسحاق به یعقوب گفت ای پسر من نزدیک بیا تا ترا لمس کنم... او را لمس کرده گفت آواز آواز یعقوبست لیکن دستهای عیسو است. و او را شناخت... پس او را برکت داد...»

ظاهر اصل نخست‌زادگی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است در حدی که ربودن آن توسط یعقوب موجب دشمنی و کینه عمیق میان دو برادر شده و در نسل‌های آنان نیز تداوم می‌یابد. این اصل در قرون اخیر نه فقط در میان قبایل پولینزی-استرالیا که حتا به صورت کمرنگ‌تر در میان مردمان مناطق مختلف آسیا نیز به چشم می‌آید.

«این اصل نخست‌زادگی که ملاک تعیین درجه و شان افراد بود در اوضاع اجتماعی و سیاسی پولینزی انعکاس‌های مهم داشت از جمله این که بسیاری از زنان از لحاظ مقام اجتماعی برتر از شوهران خود بودند و یا خواهرانی بر برادران خود مزیت داشتند و نظایر آن، و همین موجب برقراری یکنوع مساوات در میان دو جنس زن و مرد می‌شد... و اما از لحاظ اوضاع سیاسی مهمترین انعکاس نخست‌زادگی این بود که اگر فرزند رئیس قبیله ای دختر بود بزرگترین مقام اجتماعی نصیب وی می‌شد که همان را بعداً به فرزند ارشد خود انتقال میداد...»

... مقام را داشت خواه مرد بود یا زن. به این طریق مبنای توالد و شجره خانوادگی در میان پولینزی‌ها نه بر اصل پدر زادگی بود و نه بر اصل مادر زادگی، بلکه بر اساس تقدم در تولد قرار داشت...»

تأثیر نخست‌زادگی به گونه‌ای بوده است که در «عهد عتیق» نیز انعکاس یافته و نخست‌زاده وارث اصلی پدر خانواده به حساب می‌آمده است. با این تفاوت که در این دوران حق نخست‌زادگی به اولین فرزند پسر خانواده تعلق گرفته و موجب برکت او می‌شده است. در این دوره مقام و موقعیت ویژه‌ی زنان به فراموشی سپرده شده است و این چنین است که بنا بر روایت «عهد عتیق»، رفته، زن اسحاق با مکر و نیرنگ نخست‌زادگی را از عیسو، پسر «بد دیده‌اش» ربوده و به پسر «خوب دیده‌اش»، یعقوب تقدیم می‌کند: «رفته پسر خود یعقوب را خوانده گفت... پس ای پسر من... بسوی گله بشتاب و دو بزغاله خوب از بزها نزد من بیاور تا از آنها غذائی برای پدرت بطوریکه دوست میدارد بسازم و آن را نزد پدرت ببر تا بخورد و ترا قبل از وفاتش برکت دهد. یعقوب بمادر خود رفته گفت اینک برادرم عیسو مردی موبدار است و من مردی بیموی هستم... مادرش بوی گفت... سخن مرا بشنو و رفته آنرا برای من بگیر... و مادرش خورشی ساخت بطوریکه پدرش دوست می‌داشت. و رفته جامه فاخر پسر بزرگ خود عیسو را که نزد او در خانه بود گرفته پسر کهنتر خود یعقوب پوشانید. و پوست بزغالهارا بر دستها و نرمه

نیمرخ دیگر



دیدگاه

کلمه شفیع کریمی

چه باید کرد؟

من به عنوان یک خبرنگار که در این جامعه زندگی می‌کنم و تا جای از وضعیت جاری در کشور آگاهی نسبی دارم، به خوبی فهمیده‌ام که اعتدال و برابری جنسیتی در هیچ‌کدام از ساختارهای نظام رعایت نمی‌شود. محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سبب شده است تا زنان به‌عنوان جنس دوم در این کشور شمرده شوند، در حالیکه این نوع بینش مخرب یک جامعه‌ی انسانی است که هم به موقعیت و جایگاه زنان آسیب می‌زند و هم به موقعیت و جایگاه مردان.

در جوامع پیشرفته زنان از جایگاه اجتماعی و سیاسی خاص برخوردارند و بیشتر برای زنان فرصت داده می‌شود تا سهم فعال در عرصه‌های مختلف داشته باشند، اما در افغانستان این‌طور نیست. از برخورد و رفتار زشت در سطوح مختلف، مانند: آزار و اذیت در دفترها تا آزار و اذیت‌های خیابانی، شنیدن حرف‌های زشت و رکیک، مداخله در طرز پوشش لباس، آرایش، همه از مواردی است که زنان افغانستان همیشه درگیر آن بودند و هستند و در بسیاری از موارد برای زنان اجازه داده نمی‌شود که حتی از حق شان دفاع کنند. در چندین سال گذشته تلاش صورت گرفت تا برای زنان بیشتر فرصت داده شود که در نهادهای دولتی و خصوصی کار کنند و فرصت اشتغال‌زایی برایشان ایجاد گردد، اما هنوز هم این فرصت‌ها اندک است و باید بیشتر از این به زنان نقش داده شود.

من بارها دیده‌ام زمانیکه یک مرد به یک موقت حکومتی می‌رسد همه برایش تیریکی می‌دهند، اما هیچ‌کس نمی‌گوید که چطور رسید؟ اما این بحث در مورد زنان کاملن فرق دارد. همین که یک زن در یک موقت قرار می‌گیرد همه دنبال این می‌گردند که چطور به این موقت گماشته شد؟ بدون اینکه از دید انسانی به یک زن نگاه شود همیشه به عنوان جنس دوم و با در نظر گرفتن تبعیض جنسیتی با زنان برخورد می‌شود.

امروز جدیدن کمیته قوانین افغانستان فیصله کرد که نام مادر باید در شناسنامه‌ها درج شود، این تصمیم با واکنش‌های زیادی مواجه شد، حتی شماری حاضر نیستند که در نزد عام اسم مادر شان را بگیرند، این خود نشان دهنده این است که تا اکنون هم حضور زنان و حتی نام بردن از زنان در این جامعه برای مردان ننگ شمرده می‌شود، چه رسد که آن زن در روستاهای افغانستان فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد.

اما چه باید کرد؟ بدون شک تغییر اجتماعی یک روند وقت‌گیر است مبارزه، حوصله و پیگیری می‌طلبد، اما بالاخره باید از جایی آغاز کرد. امروز اگر من به عنوان یک شهروند آگاه از حقوق زنان، برای خواهرم، مادرم و همسرم حق قایل نشوم و برای رسیدن به جایگاه اجتماعی و موقعیت و موفقیت شان در سطوح مختلف پشتیبانی نکنم، این بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها ادامه پیدا می‌کند و ممکن نیست تغییر در جامعه رونما شود.

زنان را کمایی کنیم و یک جامعه‌ی پویا، فعال، معنادار، تحول‌پذیر و تحول‌یافته داشته باشیم. بهتر است به کاستی‌های جامعه‌ی خود در نبود حضور زنان فکر کنیم و کاستی‌های جامعه‌ی خود را با گسترش حضور زنان در جامعه رفع کنیم، تا از گله‌های نر در حال نزاع وارد شکل‌دهی جامعه به مفهوم مدرن شویم.

روایت زنانه‌ی من
بنابه فراخوان کارزار روایت زنانه من نیز به عنوان یک انسان می‌خواهم به این روایت بپیوندم. انسان‌ها مطلقن مرد یا مطلقا زن نیستند. انسان‌ها زن-مرد و مرد-زن هستند. به تعبیر یونگ هر مرد در وجود خود احساس زنانه دارد و هر زن در وجود خود احساس مردانه دارد. یک زن نسبتن با تعادل و یک مرد نسبتن با تعادل از نظر معرفت بشری باید بتوانند بین روح زنانه و مردانه در شخصیت انسانی خود تعادل برقرار کنند. در صورتی که یک مرد نتواند روح زنانه‌ی خود را دریابد یا یک زن نتواند روح مردانه‌ی خود را دریابد، شخصیت شان از نظر بشری دچار عدم تعادل شخصیتی می‌شود.

ما مردان باید احساس، ظرفیت‌ها، فضیلت‌ها و طرافت‌های بشری زنانه‌ی وجود خود را کشف و درک کنیم، زنان نیز باید احساس و فضیلت‌های مردانه‌ی خود را کشف و درک کنند. کشف و درک این فضیلت‌های زنانه و مردانه در صورتی ممکن است که زنان و مردان در کنار هم در جامعه حضور داشته باشند. در صورتی که زنان و مردان در این فضیلت‌های بشری، پویا و فعال نمی‌شوند. بنابراین مردان به جانوران و گله‌های نر در حال نزاع تبدیل می‌شوند و زنان به متاع و ابزار جنسی قابل معامله‌ی مردان تقلیل می‌یابند.

ما از نظر بشری، بیشتر از هر امری به مدارا و رواداری نیاز داریم. تا نتوانیم به تجربه‌ی مدارا و رواداری اجتماعی و فرهنگی دست یابیم، وضع بشری ما تغییر نخواهد کرد. دست‌یافتن به مدارا و رواداری بدون حضور اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه ناممکن است. فکر کنید! شما جامعه‌ای را تصور می‌توانید که اهل رواداری و مدارا باشد، اما زنان در آن جامعه حضور اجتماعی و فرهنگی نداشته باشد.

روایت زنانه از زندگی

به مناسبت کارزار روایت زنانه

بخش دوم و پایانی

کتاب‌خوانی استم. جریان فکری فیمینسم را مطالعه کرده‌ام، اما هنوز دید مردانه‌ی بشری‌ام نسبت به زنان چنان که لازم باشد عوض نشده است. چرا؟ برای این که در جامعه، زنان حضور نداشته است. با زنان در مکتب یکجا درس نخوانده‌ام. بنابراین شکاف‌های معرفتی و بشری بین من با زنان هم‌چنان باقی مانده است. با حضور زنان در جامعه است که دیدگاه ما مردان نسبت به زنان اصلاح می‌شود و شکاف‌های معرفتی بین مردان و زنان در ارتباطات و مناسبات اجتماعی، فرهنگی



و فردی رفع می‌شود. مردان و زنان در کنار هم می‌توانند حضور سعادت‌مند و دوستانه داشته باشند. زیرا حضور مشترک زنان و مردان در جامعه، فضیلت بشری است. ما مردان باید پرورده شویم و آموزش ببینیم تا بتوانیم فضیلت حضور اجتماعی و فرهنگی زنان را در جامعه درک کنیم. جامعه‌ی ما بنابه نبود و فقدان زنان یک جامعه‌ی معیوب، ناقص و فاقد جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی بشری بوده است. با وصفی که جهان از نظر مناسبات اجتماعی و فرهنگی تحول کرده است و حضور زنان در این تحول نقش اساسی داشته است، اما ما هنوز از نظر مناسبات بشری و اجتماعی بدوی و غریزی باقی مانده‌ایم؛ متأسفانه نتوانسته‌ایم از فضیلت و امکان حضور بشری زنان در جامعه، بهره‌مندی‌های بشری حضور

جامعه‌ی ما نیز جامعه‌ای نیست که نسبت به شایع کردن چنین روایت‌های ضد بشری در باره‌ی زنان اعتراض کند. بنابراین باید نسبت به این شایع‌ها دقیق باشیم که تعدادی حقوق زنان را به نفع خود مصادره نکنند. بهتر است مدیران کارزار روایت زنانه این کارزار از حد فعالیت مجازی به فعالیت‌های اجتماعی فراتر ببرند و از مردان نیز عضوگیری کنند، اما خواست زنان توسط خود زنان مطرح شود و سخنگو خود زنان باید باشد.

نیاز به حضور زنان در جامعه و روایت زنانه از زندگی
اصولن جامعه به مفهوم مدرن در محور حضور زنان در اجتماع شکل می‌گیرد. حضور زنان در جامعه، موجب جامعه‌پذیری و مسؤولیت اجتماعی افراد در جامعه می‌شود. گروه‌ها و گله‌های محض مردانه را نمی‌توانیم جامعه بگویم. بنابراین حضور زنان در جامعه، اصل بشری هویت جامعه را شکل می‌دهد. در غیر آن جامعه هویت بشری ندارد، یک جامعه ناقص و معیوب از نظر مناسبات اجتماعی، فرهنگی و بشری است. همان تعبیر گله‌های نر در باره‌ی جامعه‌های مردانه درست است. زیرا جامعه‌های مردانه‌ی محض به مفهوم مدرن جامعه، نمی‌تواند جامعه باشد. من بنابه معیارهای کتاب‌خوانی در جامعه‌ی افغانستانی فرد نسبتن

روایت مدیران کارزار روایت زنانه از زنان

من روایت مدیران کارزار روایت زنانه از زنان را شنیدم. مدیران این کارزار همه زنان هستند. روایت اینها روایتی نسبتن مشخص است؛ این که زنان حق آموزش رسمی، حق شغل و حق فعالیت اجتماعی و جمعی در جامعه داشته باشند. منظور خود را از این کارزار شنیده شدن صدای زنان افغانستان و حمایت و تثبیت حقوق قانونی فعلی زنان افغانستان در گفت و گوهای صلح با طالبان می‌دانند.

حقوق قانونی فعلی زنان افغانستان این است که حق آموزش رسمی تا هر درجه‌ی تحصیلی دارند و حق شغل و فعالیت در اجتماع دارند. بنابراین می‌خواهند در گفت‌وگوهای صلح با طالبان این حقوق قانونی فعلی شان مورد معامله قرار نگیرد و به طالبان باج داده نشود. در ضمن مدیران این کارزار می‌خواهند زنان و مردان خاطرات و تجربیات خود را از دوره‌ی امارت طالبان در افغانستان بگویند و خواست‌های خود را در ارتباط به حق آموزش و شغل زنان مطرح کنند تا هیات مذاکره‌کننده‌ی صلح بتوانند در صورت نیاز به خواست‌های زنان ارجاع بدهند و استناد کنند که هیات طالبان... نتوانند طبق میل خود آدرس زنان را مصادره کنند و به نمایندگی از زنان افغانستان سخن بگویند.

واقعیت این است که آسیب‌پذیرترین بحث در مذاکره‌ی صلح با طالبان بحث حقوق زنان است. من در این روزها شنیدم که تعدادی از مردان در حکومت فعلی افغانستان می‌خواهند روایت خواست زنان شهری و روستایی را مطرح بسازند و بگویند که خواست زنان روستایی افغانستان تحصیل و شغل نیست. بنابراین خواست زنان روستایی افغانستان که اکثریت هستند، باید در نظر گرفته شود. باید عرض کنم که این روایت یک روایت متعصبانه و بدوی مردانه از زنان است. قرن‌ها است زنان توسط مردان به بردگی کشانده شده است. زنان روستا مظلوم است. هدف ما باید مظلومیت‌زدایی از زنان باشد نه توجیه مظلومیت زنان با این سخنان که زنان روستا تحصیل و شغل نمی‌خواهند. شایع کردن چنین روایت‌هایی درباره‌ی حقوق زنان خطرناک است.



پژوهش

کلمه حسین رهیاب بلخی

زنان در مسیر تاریخ

قسمت یازدهم

اساس نوشته‌های عهد قدیم، پدر تمام قدرت، شوکت و مقام معنوی و مادی خود را به «نخست‌زاده» انتقال داده و به این طریق آنها را «جاودانه» می‌کرد. منشاء و ریشه نخست‌زادگی هرچه که باشد، این رسم در میان مردمان اولیه پدید آمده و در طول تاریخ جریان داشته است. در دین اسلام نیز سایه نخست‌زادگی به صورت کم‌رنگ‌تر وجود دارد، پدر برخی از وسایل شخصی‌اش را به پسر بزرگ‌تر بخشیده و او نیز وظیفه دارد تا در انجام برخی از اعمال عبادی قضاء شده پدر اهتمام ورزد. گرچه در ادوار تاریخ این پدیده به شیوه‌های گوناگون دیده می‌شود، اما گویا در میان مردمان بدوی حق تقدم همیشه با کسی بوده که زودتر متولد می‌شده است: «اولین فرزند خواه پسر بود یا دختر مهم‌ترین مقام را در خانواده بدست می‌آورد. در تعیین شجره نامه اسلاف هر فرد از اجدادی نسب میبرد که در هر یک از نسلهای گذشته بالاترین...

هستند که دارای خصایص جنسی بسیار متمایز و مشخص اند. این نقش زنان و نه مردان در تولید مثل بوده که تخیل هنرمندان این عصر، اعم از زنان و مردان را بر انگیزه است. «مادر به ویژه در دوره‌های پیش از تاریخ، شخصیت اصلی تصورات دینی بود. تصاویری که از او یافت شده است نشان می‌دهد که وی را به عنوان یکی از خدایان می‌پرستیدند.»

۴- زنان و اصل نخست‌زادگی
مردمان اولیه تلاش می‌کردند با جلب و اختراع شیوه‌های نو علاوه بر حفظ زندگی خود و بقای آن به پدیده «جاودانگی» به عنوان یک نیاز فطری نیز پاسخ گویند. شاید جانشینی فرزند بزرگ‌تر به جای سرپرست خانواده، یک نوع پاسخگویی به چنین نیازی باشد. احتمالن آنان علاوه بر توجه بر شکوفایی، برتری، قدرتمندی و اولویت فرزند اول، احساس می‌کردند که به این صورت روح سرپرست نیز «جاودان» خواهد ماند. این توجیه زمانی تقویت می‌شود که بر

آمیختگی زن و مرد نیز در آن دوره بر این قدرت تأثیر گذاشته و در طول هزاران سال موجب تقویت پایه‌های اقتدار آنان گشت؛ ۲) مردمان بدوی که برای حوادث، تغییرات و توهمات خود به توجیه منطقی نیاز داشتند، باید قوای مرموز، غیر طبیعی و اسرار آمیز را با عناوین دینی شناخته و به این صورت به نیاز فطری خود پاسخ می‌دادند. خورشید، ماه، ستارگان، آتش... به این طریق به عنوان خدایان به میان مردم پا گذاشتند و در این میان زنان نیز توانستند خود را به عنوان نمادهای باروری، تکثر، تولید و فراوانی عرضه کرده و مردان را جادو کنند. زنان به این طریق وارد رقابت با خدایان شده و عرصه را بر آنان تنگ کردند. از آن دوران پیکره‌های فراوان زنانه با نقش‌های باروری در معابد... مناطق مختلف به دست آمده است: «با توجه به اهمیت زنان، تنها پیکره‌های یافت شده در این دوره طولانی، مجسمه‌های کوچک زنانه‌ای از جنس سنگ یا عاج

زنانی که «زن» شدند!
در قسمت‌های قبلی به وضعیت زنان در خانواده «مادرشاهی» و از جمله به مساله‌ی تقدم اولویت در نسب و حق خویشاوندی در جامعه «مادرسالار» اشاره شد و در ادامه اولویت دیگر آن عصر را مرور می‌کنیم.

۳- زنان؛ الهه‌های جادویی
در دوران اولیه، مردان با دیدن قدرت باروری زنان، حاملگی و تولد فرزند، واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دادند. مردان این واقعه را به عنوان یک قدرت غیر طبیعی و وهم آلود به تماشا نشسته و خود را در مقابل آن کوچک و حقیر می‌پنداشتند. این قدرت سحرگونه زنان دو تأثیر بزرگ برجای نهاد: ۱) احساس حقارت و کوچکی مردان در مقابل زنان موجب پدید آمدن آقایی و سروری آنان در خانه و تسلط آنها بر تمام اموری گردید که امروزه خانه و خانواده خوانده می‌شود. نحوه‌ی

- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنپان
- سردبیر و ویراستار: ملک مبارز
- گزارشگران: حسین احمدی و رویا طاهار
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه‌آرا: اسماعیل لعلی
- توزیع: شبکه زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
- زیرنظر گروه نویسندگان

بازتاب تمام رخ زنان



- خوانندگان عزیز؛ نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران نشر می‌کند.
- جز رویکرد نیمرخ، مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.
- هفته‌نامه‌ی نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

- هفته‌نامه نیمرخ (Nimrokh Weekly)
- www.nimrokh.af
- mail@nimrokh.af
- 0798898894